

زنان

سال چهارم • خرداد و تیر ۷۳ • ۷۱ صفحه • ۲۰۰ تومان

۲۴

تدارک چهارمین کنفرانس
جهانی زن

بابچه‌های مشتاق
تعطیلات چه کنیم؟

جوابیهٔ دکتر سروش
به اتهامات روزنامه‌های
کیهان و کیهان‌هوایی

نگاهی به طرح جدید
قانون مطبوعات

مرد حرف آخر را می‌زند
نه دادگاه

زنان مؤلف و مترجم در
سال ۷۳ چه کردند؟



فروشگاه بزرگ افق

افق افق

ما افتخار می‌کنیم که

افق در مدت کوتاه توانسته است
اعتماد شما شیک پوشان را جلب
نماید

مجموعه‌ای از بهترین و شیکترین پوشاک
زنانه، مردانه، بچگانه، ایرانی و خارجی
برای اعضای خانواده شما و...



تهران - خیابان ولیعصر - مقابل شهید عباس پور

(توانیر) - شماره ۱۲۱۳

تلفن: ۲۲۶۰۱۸۵ - فاکس: ۲۲۶۴۲۶۳

زنان

سال چهارم شماره ۲۳ خرداد و تیر ۷۳

زنان نشرهای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود.

سر خوان

انتخابی میان بد و بدتر: مدیر مسئول

گزارش و خبر

بیش از یکصد تن از شخصیت‌های فرهنگی کشور خواستار برخورد قاطع با متجاوزان به حقوق مردم شدند:

از چه می‌هراسید: رضا تهرانی

جو ابیه دکترا سر وش به اتهامات روزنامه کیهان و کیهان هوایی: خبر:

تدارک چهارمین کنفرانس جهانی زن:

زنان ایرانی و مدیریت سینما:

نمایشگاه کتاب بدون مطبوعات: پروین اردلان

ترک عادت موجب...: کیتی شامبیاتی



علم

با بچه‌های مشتاق تعطیلات چه کنیم: مسرور نعمت‌اللهی

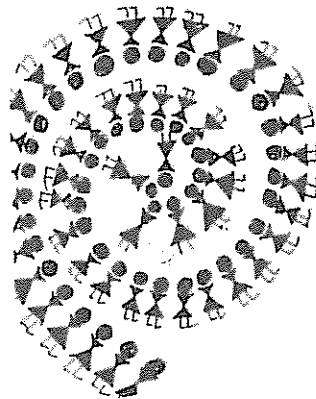
معرفی کتاب:

برای رفع جاقی، چقدر از این شاخه به آن شاخه؟! میج الیاس، ترجمه افسون زمردیان

زنان و برپایی یک سمینار منظم و مفید: رزا افتخاری

تغییرات هورمون‌ها و اختلالات دهان: لیزا مکگراث، ترجمه فرزانه خردمند

نمی‌خورم!: پریسکا میدل میس، ترجمه ندا سهیلی



اندیشه

درباره پرسشنامه نظرخواهی از خوانندگان زنان:

زنان مؤلف و مترجم در سال ۷۳ چه کردند؟: شهرزاد پاکسرنشت

ادبیات

بایان خانم و آقای گول: طاهره علوی

زن در ساحل: فریبا و فی

نیمه روشن: آریتا قهرمان

بیوه زن من: ناظم حکمت، ترجمه عزت جلالی

هنر

پارهای دوستی، جرعه‌ای عشق: الهام خاکسار

نقش هنر:

حقوق

در ماده ۱۱۳۳، مرد حرف آخر را می‌زند، نه دادگاه: مهرانگیز کار



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهبلا شرکت

مدیر باخشی: رزا افتخاری

طراح گرافیک: کوروش شبگرد

حروفچینی کامپیوتر: معصومه رحیمی

چاپ رنگی: هادی، تلفن: ۳۱۱۲۵۸۶

چاپ متن: طلوع آزادی، تلفن: ۵۶۰۲۴۵۸

صحافی: شاهد

روی جلد: کوروش شبگرد

License Holder & Editorial Director

Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian - language Journal published monthly.

Each issue contains articles and reports related to the women's problems.

زنان در زمینه فعالیت‌های هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است. مطالب ارسال شده بازگردانده نمی‌شود. حقوق چاپ و انتشار، و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

چندی پیش طرحی برای تصویب قانون جدید مطبوعات به مجلس پیشنهاد شد. طرحی نو در تاریخ مطبوعات که فلک را سقف می‌شکافد! و بندیدش چنان به هم ساخته‌است که بنیاد مطبوعاتیان براندازد. سر آن نداشتم که در بازی قد این طرح وارد شوم اما از آنجا که می‌تواند محملی برای بعضی ناگفته‌ها باشد، نخست نکاتی چند درباره‌ی طرح می‌آورم و اصل مطلب را به آخر وامی‌گذارم:

۱- مقایسه‌ی میزان حقوق مطبوعات با حدود آنها در طرح جدید نشان از آن دارد که این طرح به منظور تعزیر مطبوعات نوشته شده، نه با هدف استقرار نظم و اجرای عدالت اجتماعی یا توسعه‌ی فرهنگی و نه حتی برای اندک حمایتی از مطبوعات.

طبق ماده‌ی ۳۹ فصل جرایم، باب تازه‌ای برای جرم مطبوعاتی و تعزیر مجرم گشوده شده‌است: «در صورتی که معلوم گردد، نویسنده یا خبرنگار یا منبع خبر و مطلب، موجب اغوای نشریه گردیده‌اند، آنان نیز به همراه مدیر مسئول به دادگاه صالح معرفی می‌شوند.» و به این ترتیب «مسئولیت مدیرمسئول در برابر قانون معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد و باز با تفسیر پلویی واژه «اغوا»، نویسنده یا خبرنگاری که مسئولیتی در قبال آنچه به نشر می‌رسد، ندارد؛ با ابعاد تازه‌ای از عدم امنیت حرفه‌ای مواجه می‌شود. از این گذشته در کل طرح، روزنامه‌نگار نمی‌داند با تعزیرات روبه‌روست یا با «هیأت نظارت، دادگاه یا محاکم دیگر» و آیا این مراجع و احکام آنها هم عرض هستند یا در طول یکدیگر قرار دارند؟

۲- قانون، قاعده‌های حقوقی، کلی و الزام‌آور است و دارا بودن ضمانت اجرایی از مهمترین لوازم هر دستور حقوقی است؛ که این طرح عمیقاً فاقد آن است: «هیچ مقام دولتی نباید به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.» اما اگر مبادرت کند با او چه باید کرد؟ «مطبوعات ملزم به افشای منابع خبری و اطلاعاتی خود به هیچ مقام و ارگان دولتی و غیردولتی نیستند.» اگر ملزم شدند، چه باید کرد؟ «نشریات نباید سرعت ادبی کنند.» اگر سرعت ادبی کردند، چه خواهد شد؟ ...

در قانون فعلی نیز به دلیل همین ابهامات و عدم شفافیت و الزام‌آوری، حداقل و حداکثر مجازات مطبوعات، لغو پروانه کار آنها یعنی اعدام است! آن هم بدون محاکمه در محاکم صالح و بدون صدور حکم از مجرای مشروع و قانونی. البته گزینش این نحوه مجازات خالی از غرض هم نیست. چرا که به جامعه می‌آموزد نیازی به طرحها و قوانین عریض و طویل نیست. قاعده حقوقی هر چه باشد، می‌توان رویه‌های خودسختارانه را بی‌اعتنا به چارچوب قانونی جاری کرد.

۳- تعاریف قانونی در این طرح جامع و مانع نیست و قابلیت تفسیرهای متناقض حاصل از سلیقه‌ها و اغراض مختلف را تقویت و ضمانت اجرای قانون را تضعیف می‌کند: «توقیر افکار عمومی و افزایش دانش و ارتقاء سطح پیش مخاطبان» به چه معناست، کجا به پایان می‌رسد و الصاق برچسب ایجاد انحراف در افکار از کجا آغاز می‌شود؟ گذشته از این مجریان قانون، منور شدن افکار مردم و ارتقای سطح پیش آنان را تا کجا تاب می‌آورند؟ کسانی که چالش در بسیاری از زمینه‌های فکری و اعتقادی را بر نمی‌تابند و تحول و بسط اندیشه‌ها، قبض افکارشان را در هم می‌ریزد، برای اجرای عادلانه این قانون چه ضمانتی می‌سپارند؟ آیا از نظر قانونگذار «حفظ و تحکیم وحدت»، «عزت و اقتدار ملی» در کرنش و سکوت و بی‌تفاوتی است یا در عزت نفس حرفه‌ای و انتقاد و عزمندی؟ «انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال» را چه میزانی اندازه می‌گیرد؟ و حدود و دامنه‌ی منطق کجاست؟ «مقدساتی» که «هانت به آنها ممنوع است» کدامند؟ آیا این تقدس به صورت زنجیره‌ای تا جزئی‌ترین و پایین‌ترین سطح نیز تسری نمی‌یابد؟ اگر چنین شد - که اکنون نیز می‌شود - هر مباحثه و بررسی و هر شکلی که می‌تواند مقدمه‌ی پتین باشد، توهین تلقی نمی‌شود؟ ناگفته نماند که نه تنها این قانون، بلکه هیچ قانونی در هیچ زمان و مکانی نمی‌تواند برای «ماهیمی چنین، تعریف مشخصی به دست دهد و اینجا ناگزیر از این اعتراضیم که هیچ قانون بازدارنده و پیش‌گیرنده‌ای نمی‌تواند برای حرفه روزنامه‌نگاری طراحی کرد که بتواند حدود و ثغوری برای مقولات غیرقابل اندازه‌گیری آن وضع کند. چنان که در اصل بیست و چهارم قانون اساسی در

«مورد مطبوعات فقط به این موضوع کلی اشاره رفته که: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد.» و در اصل فراموش شده بیست و سوم آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.»

۴- شرح وظایف هیأت نظارت بر مطبوعات با عنوان آن کاملاً مغایر و متناقض است. این طرح برای هیأت نظارت، شأن قضایی قائل شده و لغو پروانه نشریات را بدون تشکیل دادگاه و حضور هیأت منصفه به آن واگذار کرده است. بنابراین با باید شرح وظایف هیأت دگرگون شود، یا نام آن به «هیأت قضاوت تغییر یابد. گو اینکه ظاهراً نیازی به این همه قانونمندی نیست، چون هیأت نظارت، در چارچوب قانون فعلی هم، که شأن قضایی ندارد، هر جا صلاح بداند، به جای دادگاه و هیأت منصفه عمل و پروانه نشریات را لغو می‌کند.

۵- فراز جالب این طرح تشکیل سندیکای خبرنگاران - نه روزنامه‌نگاران - به وسیله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. اساسنامه این سندیکا نیز با موافقت وزیر مربوطه قابل اجراست. از سوی دیگر صدور کارت خبرنگاری، جزو وظایف این وزارتخانه قلمداد شده و کسانی که کارت را دریافت نکرده باشند به عنوان خبرنگار جعلی مجازات خواهند شد. نحوه و میزان مجازات نیز مانند بسیاری موارد دیگر نامعلوم است.

کوتاه اینکه، در این طرح روزنامه‌نگاران ایران عناصر بالفطره مجرمی هستند که باید با وضع و اجرای تعزیرات کنترل شوند. این نهادها پویا که در همه جای دنیا پیشاپیش جریان‌های دولتی حرکت می‌کنند، در ایران باید مجوز فعالیت، اساسنامه سندیکای صنفی و کارت حرفه‌ای خود را - به شرط گذر از صافی گزینش - از دولت اخذ کنند.

مطبوعات، دیگر نمی‌توانند به مقدرات از پیش تعیین شده پیرامون خویش تن دهند. آنها به تجربه آموخته‌اند بدون جسارت و ابتکار عمل نمی‌توانند نقش پیشرو خود را در جریان‌ات اجتماعی حفظ کنند. چنان که اگر واکنش امروز یک دهه زودتر اتفاق می‌افتاد و آنها با ارائه نقد و نظر کارشناسی خود به تصویب قانونی جامع و عادلانه یاری می‌رساندند، امروز در مواجهه با طرح فعلی ناگزیر از انتخابی میان بد و بدتر نبودیم. چرا که قانون جاری نیز با یکسونگریمها، بی‌عدالتیها، ابهامها و مشکلات اجرایی بسیار عرصه را برای تفسیرهای گوناگون، به مصلحت زمانه، باز گذارده است.

بازتاب این طرح با همه شگفتیهای حقوقی و کارشناسی آن، از جهاتی جالب توجه‌تر از خود طرح بود. از جمله اینکه تقریباً تمامی نشریاتی که این طرح را به بررسی و نظرخواهی گذاشتند، به آن معترض بودند. حتی آنان که همواره در تنگناها و روزگاران سختی که بر مطبوعات رفته است، موضوع را به توجه و دفاع برقرار کرده‌اند. چرا که نیک دریافته‌اند این تیغ دودم روزی بال و پر آنان را نیز خواهد گرفت.

درباره‌ی وجوه غیر کارشناسی طرح و اشکالات و نواقص آن نقد و نظر بسیاری خواندیم اما در مورد چرایی و شتاب شبهه‌ناک تدوین آن، به کنجکاو و پرسشی از جانب مطبوعات برنخوریم: آیا با قانون فعلی، مطبوعات به قدر کفایت تحریم و تنبیه نمی‌شوند؟ آیا هم‌اینک راه برخورد غیر قانونی با مطبوعات تا آخرین حد جزا باز نیست؟ پس طرحی جدید برای قانون «مطبوعات چرا؟

آیا قانون آینده قرار است مطبوعات را قدمی به جلو ببرد یا به مجازات‌های فعلی مشروعیت بخشد؟ قطعاً طراحان قانون جدید از واکنش منفی مطبوعات در قبال آن و عقب نشینی ناگزیر خود غافل نبوده‌اند. بنابراین آیا اساساً از پیش، مقصود این نبوده است که با کسب رأی منفی از «مطبوعات»، رأی مثبتی برای قانون فعلی جمع کنند؟ واقعیت‌های موجود به عنوان پاسخی به این سؤالات، تحلیلی باقی نمی‌گذارد جز آنکه به مرگمان گرفته‌اند تا به تب راضی شویم و بر روزگار حال خود شکر آوریم. لذا طرح تصریب بشود یا نشود، طرح به مقصود خود - که همانا منحرف ساختن ذهن جامعه مطبوعات از اصل تناقض هر دو قانون با تساهل آزادیخواهانه قانون اساسی در مورد مطبوعات است - خواهد رسید.

طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور:

بیش از یکصد تن از شخصیت‌های فرهنگی کشور خواستار بر خورده قاطع با متجاوزان به حقوق مردم شدند

در پی ایجاد اختلال در جریان سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش، در مراسم سالگرد دکتر شریعتی در اصفهان، گروهی از مدیران مسئول و سردبیران نشریات، ناشران، پژوهشگران، اساتید دانشگاهها، نویسندگان و هنرمندان در نامه‌ای از رئیس‌جمهور، در مقام مجری قانون اساسی خواستند که از تکرار چنین برخوردهایی جلوگیری به عمل آید و برای حفظ حقوق و امنیت افراد اقدامات قاطعانه‌ای صورت پذیرد. در زیر، متن این نامه و اسامی امضاکنندگان می‌آید: ❁

بسمه تعالی

جناب آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری

با سلام،

کشور عزیزمان این روزها علاوه بر مسایل متوع داخلی با موج تازه‌ای از فشارهای خارجی نیز مواجه است. باور داریم که حل موفقیت‌آمیز مسایل و ایستادگی پیروزمندانه در مقابل فشارها در گرو وحدت آگاهانه و مشارکت فعال و قانونمند مردم از یکسو و تبیین خردمندانه مدیران از سوی دیگر و اعتماد متقابل مردم و مدیران است. این شرایط نیز بدون حاکمیت قانون و تحقق حقوق اساسی مردم حاصل نمی‌گردد. از این رو تلاش برای احقاق حقوق اساسی و مقابله با هرگونه تجاوز به این حقوق را بهترین مسیر برای زندگی شرافتمندانه و عزتمند کشور می‌دانیم.

جناب آقای رئیس‌جمهور!

جنابعالی هنگام تصدی مقام ریاست جمهوری در پیشگاه قرآن کریم و ملت ایران به خداوند متعال سوگند یاد کرده‌اید که از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت به رسمیت شناخته است پاسداری کنید. این در حالی است که متأسفانه مشاهده می‌شود که در موارد متعددی به بدترین شکل و به نام دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی حرمت و آزادی اشخاص مورد تجاوز قرار گرفته و حقوق قانونی آنها پایمال می‌گردد. متأسفانه حرمت‌شکستن روزبه‌روز جری‌تر شده و دایره حرمت‌شکنی خود را وسیع‌تر می‌کنند، به گونه‌ای که هم‌اکنون مسلمانان متعهد و اندیشمند جامعه نیز آماج این حرمت‌شکنی‌ها شده‌اند. نمونه آن واقعه‌ای است که در اصفهان برای آقای دکتر عبدالکریم سروش رخ داد. چقدر تأسف آمیز است که انسان شاهد تلاش خست‌ناپذیر برای برهم زدن مجلسی

باشد که در آن استادی دردمند و صاحب‌نظر در بزرگداشت استاد دیگری که نقش احیاگر تفکر دینی در دنیای معاصر را داشته (زنده یاد شریعتی)، سخن می‌گفته است.

جناب آقای رئیس‌جمهور!

واقعه مذکور و موارد مشابه از طرف گروه‌های غیررسمی و احتمالاً با حمایت برخی مراکز به ظاهر رسمی و به دلیل عدم توجه کافی دولت در برقراری نظم و تأمین حقوق قانونی ملت به وقوع می‌پیوندد، در هر صورت نتیجه تفاوتی ندارد و مسئولیت دولت و شخص جنابعالی به عنوان ضامن اجرای قانون اساسی کاهش نمی‌یابد.

ما امضاکنندگان این نامه مصرأ از جنابعالی می‌خواهیم که با تمام قدرت و امکاناتی که دولت در اختیار دارد و بر بنای میثاق موجود میان ملت و دولت (قانون اساسی)، اقدامات لازم را برای ممانعت از تکرار چنین حوادثی و نیز برخورد قاطع قانونی با متجاوزین به حقوق مردم مبذول دارید.

والسلام
۱۳۷۴/۴/۲۷

حسین آبدیان - دکتر سیدهاشم آقاجری - مهندس مسعود آقای - امیر آقای - مهندس محسن آرمین - حسین اسکندری - حمید امین اسماعیلی - حسین اعتمادی - عبدالرضا افتخاری - محمد امامی - محمدعلی اکبری - کورش امیری - فیض‌الدین پور - عمادالدین باقی - دکتر محمدتقی بانکی - مهندس مجتبی بدیعی - علی بروجردی - اسماعیل بلوری - حسین پایا - ناصر پلنگی - سعید پورعزیزی - عباس پورازهری - مهندس مهدی تابشیمان - سیدمصطفی تاج‌زاده - مصطفی تبریزی - محمد ترکمان - دکتر غلامعباس توسلی - دکتر جلال توکلیان - مرتضی تهامی - رضا تهرانی - سیدعبدالحسین حجت‌زاده - عبدالرزاق حسامی‌فر - سید حسن حسینی - دکتر

سید محمود حسینی - حمید حقانی - محمدعلی حقیقی - هادی خانیکی - دکتر عزت‌الله رادمنش - احمد رجب‌زاده - سیدمصطفی رخ‌صفت - علی رضاقلی - جلیل رضایی - محمد جواد رضایی - محمد ریحانی - مهناز رئیس‌زاده - محمدجواد زالی - دکتر غلامحسین زرگری‌زاده - محسن سازگار - سعید سبزیان - دکتر محمد ستاری‌فر - دکتر ابراهیم سلطانی - ابوالحسن مجتهد سلیمانی - داود سلیمانی - فخرمان سلیمانی - مهندس سیدمجتبی شبیری - دکتر حمیدرضا برادران شرکا - شهلا شرکت - ماشاءالله شمس‌الواعظین - سعید شیرگوند - احمد شیشه‌گران - محمود صارمی - جهانگیر صالح‌پور - مهندس بهروز صحابه - بیژن عبدالکریمی - مهندس عباس عبدی - فیض‌الله عرب‌سرخی - محمود عسگریه - علی‌رضا علوی تبار - دکتر ایرج فاضل - مقصود فراسخوخواه - علی‌اصغر فرامرزیان - دکتر فتح‌الله فرهادی - حسین قاضیان - محمدرضا فزونی - عزت‌الله فتوایی - مجتبی کاشانی - عبدالله غلامرضا کاشی - محمدجواد کاشی - عبدالرحیم کرکه‌آبادی - اکبر گنجی - جواد مظفر - مهندس حسین مفید - فرشاد مؤمنی - دکتر محمدکاظم مدرس تهرانی - دکتر علی مدرسی - رجیبعلی مزروعی - دکتر علی‌رضا محسنی تبریزی - دکتر محمد میرزایی - مهندس مجید محمودی - علی‌رضا محمودنیا - مختار مختاری - دکتر حسین میانداری - مهندس وحید میرزاده - اله گرم میرزایی - حجت‌الله میرزایی - سیدمجید میرتمتایی - محمدرضا ناجیان - علیرضا ناصری - اسماعیل نامور - دکتر احمد نراقی - حمیدرضا نواب‌پور - حسینعلی نودری - کتابییز نوروزی - دکتر حمید وحید - دکتر ناصر هادیان - سید محمد هاشمی - علی یحیایی.

از چه می‌هراسید؟

به دنبال ارسال نامه بیش از یکصدتن از شخصیت‌های فرهنگی کشور به رئیس‌جمهوری در مورد ضرورت ممانعت از عملکرد قانون‌شکنان بر مبنای میثاق ملی (قانون اساسی)، برخی نشریات بار دیگر به دفاع از قانون‌شکنی و هتک حیثیت اجتماعی و سلب امنیت افراد پرداختند. مدیر مسئول نشریه کیان پاسخ زیر را برای مدیر مسئول کیهان و کیهان‌هوایی و صبح ارسال کرد و طی آن یادآور شد که اگر در گفتار خود صادقانه سخنان دکتر سروش را در جلسه مورد نظر در نشریه خود درج کنند ولی متأسفانه طبق معمول، بر خلاف قانون، اخلاق و دین، تاکنون از درج آن خودداری شده است. یادآور می‌شود که رونوشت این نامه برای سایر نشریات هم ارسال شده است و «زنان» نیز جهت آگاهی عمومی اقدام به درج این نامه می‌کند. █

بسمه تعالی

جریده کیهان در تاریخ سه‌شنبه ۷۴/۵/۳ در حاشیه نامه یکصدو هفت تن از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی ایران خطاب به رئیس محترم جمهوری مطالبی خلاف واقع تحت عنوان «چاره‌جویی از سرناچاری» منتشر کرد. از این جهت تذکر پاره‌ای نکات برای روشن شدن ذهن خوانندگان حقیقت‌جو سودمند است.

اولاً - جریده کیهان مدعی است که دست‌اندرکاران مجله «کیان» در تهیه این نامه دخیل بوده‌اند. اما واقعیت آن است که امضاءکنندگان این نامه - از جمله همکاران و دست‌اندرکاران کیان - بعنوان شخصیت‌هایی مستقل نامه مذکور را امضاء کرده‌اند و چه بسا بعضی از امضاءکنندگان این نامه موافق برخی آرا و نظریات آقای دکتر سروش نباشند. در واقع آنچه امضاءکنندگان این نامه را به هم پیوند داد، نشریه کیان یا صرف تعرض به دکتر سروش نبود، بلکه سئوال‌های مهمتر، یعنی دفاع از حقوق مدنی و اساسی آحاد مردم بود که ماجرای رسوای اصفهان یکی از مصادیق تعرض به این حقوق محسوب می‌شود. امضاءکنندگان مقصود از اقدام خود را در نهایت وضوح در آن نامه بیان کرده‌اند و آن، لزوم رعایت قانون اساسی و برخورد قاطع با متجاوزین به حقوق مردم است، یعنی خواسته‌های مشروعی که حتی گردانندگان کیهان نیز دست کم به زبان، نسبت به آنها اظهار اعتقاد می‌کنند.

ثانیاً - ظاهراً این نکته مهم مورد غفلت نویسندگان کیهان واقع شده که در ماجرای اصفهان بیش از هزار نفر از دانشجویان در جلسه سخنرانی آقای دکتر سروش حاضر بوده‌اند و نوار جلسه سخنرانی نیز موجود و هم‌اکنون در دسترس همگان قرار دارد و جملگی گواه بر خلانگویی کیهان است. آنچه از جانب نویسنده به عنوان «سوالات منطقی» عنوان شده چیزی نیست جز ناسزاگویی، اخلالگری، پرتاب کفش، دریدن پیراهن و تهدید به قتل. مزید اطلاع نوار آن را به پیوست ارسال می‌کنیم تا اگر آن را تحریک کننده یافتید منتشر نمایید تا معلوم شود برای سوالات منطقی پیش‌گفته توقع کدامین پاسخ

را دارید؟ بی‌شک سخنران مجلس بزرگداشت زنده‌یاد شریعتی، با بضاعت مزجاتی که داشته پاسخی مناسب به این سوالات منطقی نیافته است! ثالثاً - اما اینکه گردانندگان کیهان، امضاءکنندگان نامه را به سادهلوحی و بی‌اطلاعی متهم کرده‌اند و سعی کرده‌اند «اصل ماجرا» بی‌درست کنند و «از سرناچاری» به «چاره‌جویی» بپردازند، «نری است که نزد کیهانیان است و پس. چون «اصل ماجرا»ی مورد ادعا چیزی نیست جز تدوین ناشیانه مجموعه‌ای از ادعاهای بی‌اساس که توسط مثلث کیهان‌هوایی، صبح و کیهان منتشر شده است.

در اینجا فقط برای آنکه ماهیت این مدعا روشن شود، به پاره‌ای از مطالب مندرج در کیهان اشاره می‌رود:

اول: می‌نویسند: «دکتر سروش به دعوت انجمن سیاست خارجی آلمان (وابسته به وزارت امور خارجه آلمان) به آن کشور سفر کرده‌بود». اما خوب است در مقابل، بخش کوتاهی از خبرنامه رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در آلمان (به شماره ۲۷۷ مورخ ۷۴/۴/۱۶) را نقل کنیم: «دپارتمان شرق‌شناسی دانشگاه بون در هر نیمسال تحصیلی اقدام به برگزاری سلسله‌ای از سخنرانی‌ها می‌کند و در این مجموعه از اساتید و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف اسلام‌شناسی دعوت به عمل می‌آورد. در همین چارچوب در روز سه‌شنبه مورخ ۷۴/۴/۱۳ آقای دکتر عبدالکریم سروش به دعوت این دپارتمان در دانشگاه بن پیرامون موضوع «مباحث روز روشنفکران ایران» سخنرانی نمود.»

دوم: می‌نویسند که دکتر سروش از شخصی به نام «هوبل»، عضو هیئت مدیره انجمن سیاست خارجی آلمان، خواسته است تا جلسه محرمانه و بدون حضور خبرنگاران تشکیل شود.

آقای دکتر سروش این خبر و هر نوع صحبتی با شخصی به نام هوبل و نیز صحبت ورود و یا عدم ورود خبرنگاران را با هر شخصی تکذیب کرده‌اند. البته ممکن است با توجه به اینکه در سخنرانی ایشان در کانادا مخالفین نظام سعی در برهم زدن جلسه سخنرانی ایشان داشته‌اند مسئولان آلمانی به

صلاحیت خود از ورود کسانی که آنان را از مخالفین نظام جمهوری اسلامی تشخیص داده‌اند و احتمالاً سعی در برهم زدن جلسه ایشان داشته‌اند جلوگیری کرده‌باشند. (میراث فرهنگی ما در نگاهی دوباره، مونترال ۱۳۷۴/۱/۲۶، نوار به پیوست این نامه ارسال می‌گردد).

نکته قابل توجه اینکه جلسه مونترال در استفاده از روشهای نامشروع برای نشان دادن مخالفت؛ هیچ از جلسه اصفهان کم نداشت. تنها در تفاوت مونترال و اصفهان را از یکدیگر متمایز ساخت:

اولاً: در مونترال مخالفان جمهوری اسلامی دکتر سروش را سخنگو، مدافع و شریک جنایات یکصد هزار نفری؟؟؟ رژیم ایران قلمداد کردند. اما در اصفهان مخالفین دکتر سروش، وی را ضد ولایت‌فقیه خواندند.

ثانیاً: در مونترال وقتی روشهای خشونت‌آمیز از طرف اکثریت حاضر در جلسه محکوم شد و آن اقلیت در انزوا قرار گرفت؛ اخلالگران ناچار به پذیرش روشهای دموکراتیک شدند. اما در اصفهان آن اقلیت آشوبگر هر چند از طرف اکثریت حاضرین با شعار مرگ بر اخلالگر روبرو شدند اما با توجه به اطمینان خاطری که از عدم پیگیری مراجع قانونی داشتند و با توجه به اینکه احتمال تشویق از سوی پاره‌ای مطبوعات می‌دادند متوسل به شکستن شیشه‌های تالار انجمن، کندن پلاکاردها، پرتاب کفش، حمله به محل سخنرانی و تریبون، ضرب و شتم و پاره کردن پیراهن سخنران و... شدند (رجوع شود به شکایت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاههای اصفهان و علوم پزشکی اصفهان خطاب به ریاست دادگستری اصفهان ۲۶۲ و ۱ و س، ۷۴/۴/۶).

سوم: می‌نویسند: «هنوز معلوم نیست هدف سروش از تشریح اختلافات اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران با نظامهای غربی برای سیاستمداران و صاحب‌نظران آلمانی در یک محفل خصوصی چیست؟» (صبح، ۲۷ تیر). «سروش به آلمان سفر کرده بود تا نتیجه تحقیقات خویش پیرامون جامعه اسلامی ایران را برای اعضای این انجمن تشریح کند!» (کیهان ۷۴/۵/۳). «دکتر سروش چه سخن محرمانه‌ای برای بیگانگان داشته است؟! [...] اگر موضوع سخنرانی آقای سروش مسائل علمی بوده

جوابیه دکتر سروش به اتهامات روزنامه‌های کیهان و کیهان‌هوایی

در آخرین لحظاتی که نشریه به زیر چاپ می‌رفت، نامه‌ای از سوی دکتر عبدالکریم سروش در پاسخ به اتهامات وارد شده به ایشان و ۱۰۷ نفر از شخصیت‌های فرهنگی کشور در روزنامه کیهان به دست ما رسید. در زیر، این جوابیه را نیز می‌خوانید: ❏

بنام خدا

مدیر مسئول محترم جریده کیهان

در آن جریده، در تاریخ ۱۳۷۲/۵/۲، در حاشیه نامه یکصد و هفت تن از شخصیت‌های فرهنگی و اساتید دانشگاهی به رئیس محترم جمهور، در خصوص واقعه اسفهان، نوشته‌ای تحت عنوان «چاره‌جویی از سر ناچاری» آمده بود که حاوی یک تحریف فظیح و یک تهمت بزرگ نسبت به این جانب بود. شرح زیر، بیان واقع و تکذیب آن تهمت نارواست:

اولاً در مورد تشیع در جلسه سخنرانی این جانب در اسفهان، چنین القا شده بود که گویا آشوبگران مُجَنَّب بوده‌اند و چون پاسخ به سؤالات منطقی خود را نیافته‌اند دست به اختلال و تطاول بردند. کسانی که در جلسه حاضر بودند که عددهشان از یک هزار نفر در می‌گذرد - همه شاهد بودند که آشوبگران، که مخلوطی از طلاب و دانشجویان تحریک شده بودند، قبل از آغاز جلسه با شکستن شیئه وارد جلسه شدند و قبل از شروع سخنرانی این جانب، بدون طرح هیچ‌گونه سؤالی، به شعار دادن پرداختند و عاقبت هم سخنرانی را ناتمام گذاشتند و به سوی من حمله‌ور شدند و علاوه بر پرتاب سنگی و کفش و...، پیراهن مرا نیز پاره کردند و علاوه بر تهدید صریح به قتل، از توهین و اذیت و آسایش ادب چیزی فروگذار نکردند. این جانب بیش از یک ساعت، در حالی که در محاصره مهاجمان بودم، با آنان به نرمی سخن گفتم و عاقبت که آثار انفجار را در چهره‌شان دیدم، سالن ویران و درهم‌ریخته را ترک گفتم و البته همان‌جا آن ناآگاهان را بخشیدم که می‌دانستم:

گرچه تیر از گمان همی گذرد

از گماندار بیند اهل خود

و «در طریقت ما کافر است و نجیدن» و به فاصله

امری خیر نداده است. (ایضاً به بند دوم مراجعه شود) هفتم: کیهان می‌نویسد «از بخت بد آقای سروش و امضاءکنندگان اعلامیه فوق که مطابق اخبار موثق از چند ماه پیش در تدارک تشکیل این جلسه بوده‌اند، خبر مربوط به تشکیل جلسه انجمن سیاست خارجی آلمان و اصرارهای سروش برای محرمانه بودن آن به بیرون درز می‌کند». گردانندگان کیهان از یاد می‌برند که چند سطر قبل نوشته بودند که امضاءکنندگان، ساده‌اندیشان و فریب‌خوردگانی هستند که از «اصل ماجرا» خبری ندارند و اینجا می‌نویسند که از چند ماه پیش در تدارک تشکیل آن جلسه بوده‌اند. واقعیت این است که سرپای این «ماجرای» وهسی و جعلی از قبیل همین مدعیات است. مابیه خوشوقتی است که نوار این جلسه «محرمانه» موجود است. لذا خو بستن دوستان کیهانی که از «دروغ کردن» مطالب سزی آن محفل تا این حد مسعوف شده‌اند، اصل آن سخنرانی را نیز انتشار دهند تا بر بشاشت‌شان افزوده شود. لذا در صورت اعلام موافقت کبی منی بر چاپ کامل جلسه مذکور، یک عدد نوار آن جلسه سزی! ارسال خواهد شد، تا شور حقیقت‌جویی شما در نشر آن آزموده شود.

اما در پایان خو بستن که اظهارنظر رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در آلمان را درخصوص سز و سخنرانی آقای دکتر سروش نقل کنیم: «سخنرانی آقای دکتر سروش در دانشگاه بن از دو جهت قابل ملاحظه و با اهمیت است: نخست آنکه ایشان در افواه به عنوان فردی معارض با جمهوری اسلامی ایران معرفی گردیده بود در حالی که هم مضامین سخنرانی ایشان و هم حضور و ملاقات نمایندگان فرهنگی ایران در سخنرانی سزبور با آقای دکتر سروش و رئیس کرسی شرق‌شناسی دانشگاه بن عملاً نافی این تلقی گردید. دیگر آنکه حضور و سخنرانی ایشان و دیگر اساتید ایرانی در دانشگاه بن که فی‌الواقع کرسی شرق‌شناسی آن عمدتاً به عرب‌شناسی و جهان عرب توجه دارد، باب تازه‌ای در مطالعات و پژوهش‌های مربوط به ایران خواهد گشود. برنامه‌هایی از این قبیل سبب اقبال و توجه هر چه بیشتر اساتید و دانشجویان به ایران و فرهنگ آن خواهد بود.»

با این اوصاف اکنون پرسش مهمی که هر فرد منصفی از خود خواهد پرسید این است که چرا متن و مفاد این نامه و شخصیت‌های امضاءکننده آن، گردانندگان کیهان و سایر نشریات همفکرشان را چنین به «چاره‌جویی از سر ناچاری» متوسل کرده است؟ و آنان چرا می‌کوشند هویت امضاءکنندگان را مخدوش کرده و مهمتر از آن دفاع از حقوق اساسی مردم و حاکمیت قانون را مورد حمله قرار دهند؟ چه کسانی و به چه دلیل از زیر پا گذاشتن قانون و حقوق اساسی ملت سود می‌برند؟

حالی درون پرده بسی آفته می‌رود

تا آنزمان که پرده برافند چه‌ها کنند

مدیر مسئول نشریه کیهان - رضا تهرانی

۷۴/۵/۸

است، چرا درخواست جلسه سزی و محرمانه کرده‌اند؟...» (پیشین)

جالب است بدانید که موضوع سخنرانی دکتر سروش در جلسه مذکور «تقابل ارزشهای غرب با ارزشهای اسلامی» بوده است. دکتر سروش در این سخنرانی «قولاتی همچون راسیونالیسم، لیبرالیسم، تقدم جان بر عقیده، سیاست دنیوی، شکگرایی بر سکولاریسم و حقوق بشر را از ارزشهای مورد قبول فرهنگ جدید غرب قلمداد می‌کند و در مقابل، یقین‌گرایی، تقدم عقیده بر جان، میل به سعادت اخروی و تقدم تکلیف بر حقوق را نیز از ارزشهای رایج در اندیشه دینی معرفی می‌کند. یعنی همان سخنانی که قبلاً و به تفصیل در مکتوبات خود از آن یاد کرده بود.

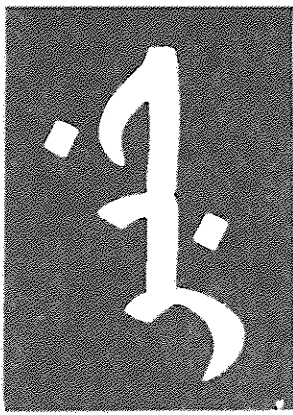
چهارم: می‌نویسند: «انجمن سیاست خارجی آلمان متشکل از بازنشستگان وزارت خارجه آلمان، سیاستمداران کهنه‌کار، کارشناسان، استادان دانشگاه و کارآموزان سیاسی این کشور است و در مسائل سیاست خارجی تحقیق و پژوهش می‌کند. «علموت اشیمیت» صدراعظم اسبق آلمان یکی از اعضای این انجمن است و نتایج تحقیقات انجمن یاد شده همواره مورد استفاده وزارت امور خارجه و شخصیت‌های بسیار مهم آلمان قرار می‌گیرد» (کیهان هوایی ۷۴/۲/۲۱، صبح و ایضاً کیهان با اندکی تفاوت).

این خبر به نحوی تنظیم شده است که گویی دکتر سروش به کهنه سیاستمداران دنیا خط فکری و سیاسی می‌دهد. در چهارچوب یک بحث جدلی آیا نمی‌توان پرسید که چرا از توانمندی متفکری چنین توانمند که حتی می‌تواند «کهنه سیاستمداران» دنیا را تحت نفوذ و تأثیر خود درآورد، در کشورمان و برای تأمین منافع ملی حُسن بهره‌برداری نمی‌کنیم؟ پنجم: می‌نویسند: «از ورود خبرنگاران و سایر شخصیت‌های علمی و فرهنگی که معمولاً در جلسات انجمن شرکت می‌کردند، جلوگیری به عمل می‌آید» (کیهان).

اقا واقعیت آن است که در این جلسه بسیاری از شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی آلمان حضور داشته‌اند. آیا خانم پروفیسور آنه ماری شمیل که از حاضران آن مجمع بود از کهنه سیاستمداران آلمانی است؟

ششم: کیهان می‌نویسد: «... بعد از برپایی آن با اعتراض خبرنگاران و سایر شخصیت‌های علمی و فرهنگی غیرعضو که از ورود آنها به جلسه جلوگیری به عمل آمده بود، روبرو می‌شود و «ماجرای این جلسه محرمانه روی آنتن خبرگزاری می‌رود».

باید پرسید که از ورود کدام خبرنگاران یا شخصیت علمی و فرهنگی جلوگیری شده بود و کدامیک از ایشان به این امر اعتراض کرده‌اند؟ واقعیت آن است که آن شخصیت‌های علمی موهوم، ساخته ذهن همان سه نشریه‌اند و خبر آن جلسه محرمانه فقط بر روی آنتن خبری آن ملث جعل شده است. هیچ خبرگزاری و رسانه‌ای جز آنها از چنین



تمدن غربی بر شک، حق (در مقابل تکلیف)، تقدم جان بر عقیده، اومانیسم و... بنا شده در حالی که فرهنگ دینی بر یقین، تکلیف، تقدم عقیده بر جان و اندیشه خدامرکزی بنا شده است که امیدوارم روزی به طبع تفصیلی آن توفیق یابم.

اینها حقایق بود و من اینکه نه در علم خویشم که بر انحطاط اخلاقی قومی اندوه می برم که چون ندای حق جمعی از نیک خواهان این موز و بوم را در استیفای حق مظلومی می شنوند، بجای آنکه با آن موافقت کنند، در خاموش کردن آن می کوشند و درین راه هم از به کار گرفتن شیوه های نیابت آزار و خدانابسنی چون تفتین و اخترا دروغ نمی ورزند و نوشتن آن نامه ستم ستیزانه را حیلش برای اخفای جاسوسی و رسوایی حاصله از آن وانمود می کنند.

این اندک، البته برای متصفان کافی است تا نشانه ای باشد از آنکه اهل قلم در این نیاز از آریاب جراید چه می کنند و به جرم گفتن سخنان و داشتن آرای غیر مقلدانه، چه عتک ها و تهمت ها تحمل می کنند و مغرضان را جز عصای قانون ادب نخواهد کرد. و داور نهایی خداست. واللہ من ورائهم محیط. والسلام.

عبدالکریم سروش
۱۳۷۴/۵/۱۲

رونوشت: کیهان هوایی، در پاسخ به دو گزارش نادرست کیهان هوایی مورخ ۱۳۷۳/۴/۲۱ و ۱۳۷۴/۵/۱۱

سلام، همشهری، ایران، جمهوری اسلامی، اخبار، اطلاعات، رسالت، هفته نامه صبح، عصر ما، ابرار، مقام محترم ریاست جمهوری، جهت استحضار ریاست محترم قوه قضاییه

چند روز، نامه ای خصوصی به ریاست محترم جمهوری، در این خصوص نوشتم و از ستمی که بر فرهنگ این دیار می رود و آوازه ستمی که جمعی برای ایران فراهم می آورند، نزد ایشان تظلم بردم.

ثانیاً به فرض که پاسخ به سؤالات منطقی آشوبگران، به گفته کیهان، به جلسات خصوصی موکول شده باشد، این جواب آن این است که خشونت بورژوازی و اهانت و ارباب بیسته کنند و دست به ضرب و شتم بزنند و از قتل و غیب دم بزنند و این چنان کسانی شایسته تأیید و تشویق مطبوعاتند، تا جریده کیهان برای سرپوش نهادن بر واقعه و بیل توجیه آن، مهاجمان را حاصل پرسش های منطقی جلوه دهد و برای آنان چهرة علمی بسازد؟

ثالثاً و از این مهم تر، جریده کیهان در صدد القای این تهمت است که گویا این جانب به جاسوسی نزد اجانب رفهام و درخواست جلسه سوزی و محرمانه برای مذاکره کرده ام و از مسئولان انجمن سیاست خارجی وزارت خارجه آلمان، و به خصوص شخصی به نام هوبل، منع ورود خبرنگاران را به جلسه سخنرانی خواستام و لذا فقط اعضای رسمی انجمن سیاست خارجی در آن جلسه شرکت کرده اند و بحثهایی هم که برای «سیاستمداران کهنه کار غربی» مطرح کرده ام، لاجرم، همه مشکوک و غیر علمی و غیر تحقیقی و وطن فروشانه بوده است.

این مدعیات کاذب و بی اساس که مخلوق وهم مغرضان است و قابل تعقیب قانونی است، و این جانب هم جداگانه از مدیر مسئول کیهان و مدیر مسئول کیهان هوایی به خاطر نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر، به مراجع صالحه قانونی شکایت برده ام - البته هدفی روشن را تعقیب می کند و آن برگرداندن بحثهای فکری و نظری به مجرای اتهامات سیاسی است و نشان می دهد که دوران «مقابله های ناکام و ظاهراً قلمی و علمی» سپری شده و مخالفان وارد فاز تازه ای شده اند: نیاز تهاجم فیزیکی و تهمت سیاسی. تا بعد از این چه تغییر و اقدام کنند!

باری این جانب نه آقای هوبل را می شناسم و نه از ایشان یا هیچ کس دیگر درخواست جلسه سوزی و محرمانه کرده ام و نه در آن جلسه سخنان مشکوک و بودار گفتم (به گواهی نوار موجود) که اینک از رسوایی آن بهراسم و نه آن نامه «مدو هفت شخصیت فرهنگ برای پوشاندن آن مجرای رسوا (به ادعای کیهان) بوده است و نه امضا کنندگان آن نامه، دخالتی در تدارک سخنرانی آلمان این جانب داشته اند (باز هم به ادعای کیهان) و نه چنان بوده است که فقط «سیاستمداران کهنه کار غربی» در آن جلسه حاضر باشند. چرا که پروفیسور آله ماری شیل، مولوی شناس بزرگ آلمان، نیز در آن جلسه حاضر بود (علاوه بر اساتید دیگر) و وقتی سخنرانی مرا در باب تقابل ارکان فرهنگهای دینی و غربی شنید، به زبان فارسی به من گفت: «چشم بد دور» سخنان من در ابتدا حول این محور دور می زد که

استفتای وزیر آموزش و پرورش از مقام رهبری، در مورد لزوم استفاده از چادر

از سوی مقام رهبری در پاسخ به استفتای وزیر آموزش و پرورش، درباره نوع حجاب دختران دانش آموز اعلام شد: «الزام به چادر وجهی ندارد».

استفتای وزیر آموزش و پرورش به این شرح است:

«به استحضار می رساند که وزارت آموزش و پرورش در سالیهای اخیر، با ابلاغ بخشنامه ای، حداقل حجاب دختران دانش آموز را بر اساس ضوابط شرعی و فتوای حضرت امام (ره) مشخص نموده است. اخیراً برخی از مناطق کشور استفاده از چادر را برای دانش آموزان دختر الزامی نموده اند و مسئولان محلی، دانش آموزان را برای پوشیدن چادر تحت فشار قرار می دهند. خواهشمند است نظر مبارک را در این خصوص امریه ابلاغ فرمایید».

متن پاسخ مقام رهبری به این شرح است:

«شکی نیست که چادر یک پوشش مطلوب است و در میان لباسهای ایرانی بهترین نوع حجاب به شمار می رود، ولی شرعاً برای تأمین حجاب واجب بانوان لباس خاصی معین نشده است و الزام به چادر وجهی ندارد».

یادآور می شود در حال حاضر چادر برای اکثر مدیران مدارس دخترانه از سوی ادارات مناطق مختلف آموزش و پرورش اجباری قلمداد می شود.

همچنین در واحدهایی از دانشگاه آزاد و بعضی ادارات و ارگانها نیز پوشیدن چادر اجباری اعلام شده است.

صدور اعتبارنامه ۱۵ سازمان غیردولتی از

صوی پکن

بنا به آخرین اطلاعات خبرنامه دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی، فعلاً ۱۵ سازمان غیردولتی ایران از سوی مسئولان کنفرانس پکن معتبر شناخته شده‌اند. این سازمانها عبارتند از:

- ۱ - مرکز مطالعات و تحقیقات مسائل زنان؛ ۲ - انجمن زنان پژوهشگر مسلمان؛ ۳ - دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی زنان؛ ۴ - انجمن مامایی زنان؛ ۵ - تعاونی زنان روستایی؛ ۶ - جمعیت زنان جمهوری اسلامی؛ ۷ - مؤسسه زن ارمنی (هایگن)؛ ۸ - مرکز بازاریابی داخلی و بین‌المللی برای تولیدات زنان؛ ۹ - جامعه زینب؛ ۱۰ - انجمن بانوان و دانشجویان کلیسیا؛ ۱۱ - جمعیت شهید بنت‌الهدی؛ ۱۲ - بنیاد زینب کبری؛ ۱۳ - انجمن زنان زرتشتی؛ ۱۴ - مؤسسه اسلامی زنان؛ ۱۵ - انجمن همبستگی زنان.

ضمناً در جزوهای که به عنوان گزارش نهایی اولین کنفرانس بین‌المللی «نقش زن و خانواده در توسعه انسانی» از سوی دفتر هماهنگی منتشر شده است، در میان اسامی شرکت‌کنندگان سازمانهای غیردولتی زنان در ایران، نام مجله «زنان» نیز به چشم می‌خورد. ما ضمن تکلیب این خبر یادآور می‌شویم که مجله «زنان»، به عنوان سازمان غیردولتی، به دلیل داشتن پاره‌ای اشکالات به شکل‌گیری و استراتژیهای دفتر هماهنگی سازمانهای غیردولتی، در جلسات کنفرانس مذکور شرکت نداشته است.

گردهمایی مسئولان

جرايد کشور

مسئولان جرايد کشور در روز نهم مردادماه سال جاری، در محل تعاونی مطبوعات گردهم آمدند.

این جلسه به منظور بررسی طرح جدید قانون مطبوعات، با شرکت نشریات عضو تعاونی مطبوعات و

همچنین مسئولان و اعضای کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی برپا شد و طی آن دکتر افتخارچهرمی، حقوقدان و مدیرمسئول مجله حقوقی؛ مهندس عباس عبدی، سردبیر روزنامه سلام؛ دکتر غنی‌زاده، مدیرمسئول نشریه افتخارات ملی؛ کاسبیز نوروزی، حقوقدان؛ علیرضا بهروزی‌نیا، حقوقدان؛ علی مزروعی، عضو شورای سردبیری روزنامه سلام؛ اکبر باقریان، روزنامه نگار و مدیرمسئول نشریه ماهان؛ و مهندس سبحانی، مدیر مسئول نشریه ایران فردا به ایراد سخنرانی پرداختند.

تقاضای بازنشستگی

زنان کارگر با ۲۰ سال

سابقه کار

نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی خواستار تقدیم لایحه‌ای از سوی دولت برای بازنشستگی زنان کارگر با ۲۰ سال سابقه کار شدند.

در پی رد اصلاح قانون تأمین اجتماعی در مورد بازنشستگی زنان کارگر با داشتن ۲۰ سال سابقه کار در مجلس شورای اسلامی، نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی طی ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور درخواست کردند تا برای قانونی شدن بازنشستگی زنان کارگر با ۲۰ سال سابقه کار، لایحه‌ای از سوی دولت به مجلس داده شود.

کاهش رشد

جمعیت در ایران

بر اساس آمار اعلام شده از طرف وزارت بهداشت، رشد سالانه جمعیت کشور طی هفت سال گذشته از ۳/۹ درصد به ۱/۷ درصد کاهش یافته است که نشانه موفقیت ایران در کنترل جمعیت است.

دکتر «ملک افضلی، معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به مناسبت روز جهانی جمعیت (بیستم تیر) اعلام کرد: «میزان موالید در سال گذشته یک میلیون و ۴۰۰ هزار نوزاد بوده است که این میزان در شهرها ۲۰/۵ در هزار و در روستاها ۲۵/۵ در هزار است. در سال ۷۳، هر زن شهری در طول دوران بارداری (از ۱۵ تا ۵۰ سالگی) ۲/۷ فرزند و هر زن روستایی نیز ۴/۲ فرزند به دنیا آورده است.»

وی با اشاره به این که علی‌رغم موفقیت چشمگیر ایران در کنترل رشد جمعیت، هنوز استانهایی مانند سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان از رشد جمعیت بالایی برخوردارند، اظهار داشت: «با آن که هم اکنون بیشتر وسایل جلوگیری از بارداری و باروری، به صورت رایگان و از طریق مراکز بهداشتی، در اختیار مردم قرار دارد، شمار زنانی که از این وسایل استفاده می‌کنند، ۵۲ درصد بوده و متأسفانه ۴۰ درصد بارداریها ناخواسته است که باید با کمک مردم و گسترش وسایل پیشگیری، از آن جلوگیری شود.» در این راستا آگاهی مردم مهمترین راه برای موفقیت نهایی کنترل جمعیت است. تا کنون تنها ۱۴ درصد زنان و مردان عمل تویکتومی و وازکتومی (بستن لوله‌ها) را انجام داده‌اند و قرار است مرکزی برای بازگرداندن لوله‌های بسته افتتاح شود تا مشکل کسانی که می‌خواهند به طور موقت لوله‌های خود را ببندند حل شود.

به همین منظور، انجمن تنظیم خانواده که هیأت مؤسس آن تعیین شده به زودی کار خود را به صورت یک سازمان غیردولتی آغاز می‌کند و دانشجویان رشته پزشکی دانشگاههای علوم پزشکی، آبان ماه امسال، در یک بسیج همگانی یک هفته‌ای بعد از دیدن آموزش و با حضور در پایگاههای مختلف، با مردم و به ویژه بانوان در زمینه کنترل خانواده، جلوگیری از باروری و دیگر مسایل بهداشتی مشاوره خواهند کرد.

ضمناً از ۱۱ تا ۱۶ مرداد نخستین نمایشگاه جمعیت و تنظیم خانواده با همکاری صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در تهران برگزار خواهد شد که در آن فعالیتهای انجام شده توسط دانشگاههای سراسر کشور، در راستای کنترل و تعدیل جمعیت ارائه خواهد شد.

افتتاح پیست

دوچرخه سواری زنان در

پارک چیتگر

در مجموعه فرهنگی - ورزشی چیتگر در غرب تهران، پیست

دوچرخه سواری مخصوص زنان افتتاح شد.

در این مجموعه که زیر نظر شهرداری منطقه پنج تهران است، یک پیست سرعت و استقامت برای تمرینات مردان در نظر گرفته شده و از سه ماه پیش، علی‌رغم مشکلاتی که بر سر راه ورزش زنان قرار دارد، پیست کوچکی به وسعت یک کیلومتر برای دوچرخه سواری بانوان اختصاص یافته است. مسئولان این مجموعه فرهنگی - ورزشی تلاش می‌کنند تا در مناسبتهای مختلف امکان استفاده زنان از پیست وسیع تری را، که اکنون در اختیار مردان است، فراهم کنند. عزیزبان، مدیر مجموعه فرهنگی - ورزشی چیتگر، در صحبت با مسئولان ورزش بانوان مناطق بیست‌گانه شهرداری، از آنان خواست تا در جهت همگانی کردن ورزش دوچرخه سواری بانوان فعالیت گسترده‌تری داشته باشند. وی همچنین گفت که زنان مسئول ورزش هر منطقه شهرداری می‌توانند، با هماهنگیهای لازم، سه روز در هفته از پیست دوچرخه سواری استفاده کنند و قول مساعد داد که زنان از تخفیف ویژه نیز برخوردار شوند.

برگزاری کنگره نقش

زن در علم و صنعت و

توسعه



نخستین کنگره نقش زن در علم و صنعت و توسعه به مدت دو روز، هفتم و هشتم خردادماه، در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد و در کنار آن، نمایشگاهی از دستاوردها و فعالیتهای علمی - پژوهشی زنان، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برپا شد.

مریم بختیار، دبیر کنگره، مهمترین

هدف برگزاری این کنگره را ارزیابی وضعیت زنان کشور در عرصه‌های علم و توسعه و صنعت و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای زنان در این حوزه‌ها اعلام کرد.

در این کنگره دو روزه، ۲۰ مقاله ارائه شد که عناوین برخی از آنها عبارتند از: بررسی نقش زنان در اهداف و سیاستهای آموزشی و برنامه‌های توسعه کشور؛ تبعیضات شغلی میان زنان و مردان؛ بررسی وضعیت زنان دانشگاهی در رشته‌های علوم پایه و فنی مهندسی؛ نقش زن در تحقیقات؛ زن هویت ملی؛ سیاستهای توسعه فرهنگی و برنامه پنجساله دوم؛ وضعیت اشتغال زنان در ایران؛ نقش زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی و تکنولوژی در ایران و مقایسه با سایر کشورها و ایجاد انگیزش فرهنگ علمی در زنان کشور.

مهندس نعمت‌زاده، وزیر صنایع در مراسم افتتاح این کنگره گفت: «سه چهارم محصولات غذایی کشور توسط زنان تولید می‌شود در صورتی که این حضور در آمار رسمی مشاهده نشده است.»

فیروزه صابری، سرپرست مرکز آموزش سازمان مدیریت صنعتی، در مقاله بررسی نقش زنان در اهداف و سیاستهای آموزشی برنامه‌های توسعه کشور گفت: «به طور کلی با توجه به اینکه ۴۸/۴ درصد کل جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند و ضمن عنایت به روند رو به رشد نقش زنان در نظام آموزشی کشور، خصوصاً طی سالهای اخیر، همچنان آمار و ارقام تفاوت‌گزافی را میان تعداد زنان و مردان با سواد، دانش‌آموز، دانشجو و فارغ‌التحصیل دانشگاهی و کادر آموزشی در حد مقطع تحصیلی نشان می‌دهد.»

دکتر خدیجه سفیری، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء، در زمینه تبعیضات شغلی میان مردان و زنان گفت: «پیشلادوریایی که تأثیرپذیر از نظام ارزشی یک جامعه است باعث تبعیض شغلی میان زنان و مردان شده است اما طبق بررسی انجام گرفته بر روی ۵۰ سازمان، مؤسسه و کارخانه (در سطح شهر تهران) نشان داده شده که مدیران سطوح بالای سازمانها بر تعهد و

انضباط کاری و وظیفه‌شناسی زنان بیش از مردان تأکید داشتند در حالی که در انتخاب افراد در رده‌های شغلی بالاتر، میان زنان و مردان با تحصیلات و تجربه مساوی، مردان را ترجیح می‌دادند.»

نمایشگاه که با هدف ارائه دستاوردها و فعالیتهای علمی - تحقیقاتی زنان کشور، در زمینه‌های علوم، تکنولوژی و صنعت از تاریخ ۷ الی ۱۳ خردادماه برگزار شده بود شامل بخشهای مختلفی از جمله کتاب، مقالات، تألیفات، پایان‌نامه‌ها، طرحها و تجهیزات تحقیقاتی زنان بود. در این نمایشگاه حدود ۱۱۰ مرکز دانشگاهی، تحقیقاتی و صنعتی حضور داشتند. در این نمایشگاه ۶۰ غرفه وجود داشت که متعلق به مرکز تحقیقات تهیه و اصلاح بذر و نهال، وزارت نیرو، انستیتوی پاستور، مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیولوژیک دانشگاه تهران، جهاد سازندگی، آموزش و پرورش و زنان متخصص بود. یکی از این غرفه‌ها متعلق به مهندس احلام دانشمند، مدیرعامل کارخانه شیمی اصفهان بود. وی تنها تولیدکننده هواد اولیه شیمیایی است که برای تولید مواد منفجره به کار می‌رود. او که اولین فرد ایرانی است که طراحی ساختمان و آماده‌سازی ماشین‌آلات کارخانه را به تنهایی انجام داده است، می‌گوید: «زنان فعالیتهای علمی بسیار مثبتی دارند که متأسفانه در هیچ جایی مطرح نمی‌شود و برپایی این نمایشگاهها می‌تواند دید جامعه را نسبت به زنان و فعالیتهای آنان تغییر دهد.»

موفقیت دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای علمی جهان

دانش‌آموزان ایرانی با شرکت در المپیاد فیزیک و المپیاد انفورماتیک افتخار آفرینند.

پریسا فلاحی مروست، دانش‌آموز دبیرستان فرزندگان امین اصفهان، در المپیاد بین‌المللی فیزیک که در کانبرای استرالیا برگزار شد موفق به کسب مدال نقره شد. وی خانواده را مشوق اصلی خود در این راه می‌داند. ایران از میان ۵۱ کشور،

بعد از چین و آمریکا مقام سوم را در این مسابقه به دست آورد.

لازم به ذکر است یاسر کراچیان از دبیرستان شهید هاشمی‌نژاد مشهد، و علیرضا خلیلی از دبیرستان عدوی تهران، موفق به کسب مدال طلا و وحید شاهرضایی دانش‌آموز دبیرستان مفید تهران، و امیرحسین پورموسی از دبیرستان سیراز کوی چک‌خان رشت نیز موفق به کسب مدالهای نقره شدند.

رؤیا بهشتی‌زواره نیز در هفتمین المپیاد بین‌المللی انفورماتیک که در شهر ایندهوفن هلند با شرکت ۲۱۰ دانش‌آموز از ۵۴ کشور برگزار شد، مدال برنز دریافت کرد. این دانش‌آموز تیرماه ۷۳ نیز با شرکت در المپیاد ریاضی هنگ‌کنگ موفق به کسب مدال نقره شده بود.

دیگر دانش‌آموزانی که در المپیاد انفورماتیک اسکان موفق به کسب مدال شدند عبارتند از: پورنادر و مهران مهر (مدال نقره) و بابک فرزاد و کامران یاور (مدال برنز)

در المپیاد جهانی ریاضی شهر تورنتو کانادا، مریم میرزاخانی از دبیرستان فرزندگان تهران و رضا صادقی از دبیرستان هاشمی‌نژاد مشهد موفق به کسب مدال طلا شدند. در این مسابقات محمد جوهری از دبیرستان غفاری کامیاران، حسین زبوری از دبیرستان امام صادق تهران و کیوان صلاحی کارای از دبیرستان علامه حلی تهران مدال نقره و محمدعلی ابام از دبیرستان رشد تهران نیز موفق به کسب مدال برنز شدند.

در این مسابقات دانش‌آموزان ایرانی مقام هشتم ریاضی جهان و مقام اول هندسه را برای کشور خود به ارمغان آوردند.

لازم به ذکر است که در المپیاد شیمی جهان نیز دانش‌آموزان ایرانی موفق به کسب مقام اول جهان شدند.

کشف غار توسط کوهنوردان زن ایرانی

اخیراً چندین کوهنورد زن از اعضای تیم فدراسیون کوهنوردی زنان، غاری را در استان فارس کشف کرده‌اند.

هشت زن کوهنورد در صعود در

روزه خود به کوههای منطقه مازوجان بوانات در استان فارس موفق به کشف غاری شدند که تا عمق ۱۲۰ متری در رشته‌کوههای قبله نرود دارد.

دومین المپیاد ورزشی دانشجویان



دومین المپیاد ورزشی دانشجویان دختر و پسر دانشگاههای سراسر کشور از هشتم تا ۱۸ مردادماه اسکان در اصفهان برگزار می‌شود.

این المپیاد با شرکت ۲۲۰ تیم در ۱۱ رشته ورزشی در بخش دختران و با اهداف استمرار نهضت تربیت ورزش دانشجویان، به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی ورزش دانشگاهها و پربار کردن اوقات فراغت، حفظ نشاط، سلامت جسمانی، کمک به تحرک و پربایی دانشجویان برگزار می‌شود.

دانشجویان دختر در ۱۱ رشته والیبال، ژیمناستیک، شنا، شطرنج، دو و میدانی، بدمینتون، کاراته، آمادگی جسمانی، تیس روی میز، هنرهای و بسکتبال مسابقه می‌دهند.

آمار و ارقام کمی نشان دهنده افزایش تعداد ورزشکاران به ویژه دانشجویان دختر به میزان ۱۵ درصد نسبت به المپیاد گذشته است.

برای پر کردن اوقات فراغت و فعالیتهای فرهنگی دانشجویان برنامه‌های بازدید از آثار باستانی اصفهان و مراکز صنعتی این شهر و اقدامات فرهنگی دیگر در نظر گرفته شده است. مراسم افتتاحیه دوره دوم المپیاد روز یکشنبه، هشتم مردادماه، در سالن پیروزی اصفهان برگزار خواهد شد.

آموزش گلف به بانوان

هیأت گلف بانوان که از ۲۶ تیرماه تأسیس شده است در نظر دارد یک دوره کلاس آموزشی برای علاقمندان برگزار کند.

این هیأت هنوز برنامه دقیق خود را اعلام نکرده است اما زنان

علاقه‌مند می‌توانند برای شرکت در کلاس فوق به دفتر معاونت ورزش بانوان استان مراجعه کنند.

انتشار خبرنامه دفتر ترویج فعالیت‌های زنان روستایی



دفتر ترویج فعالیت‌های زنان روستایی زیر نظر وزارت کشاورزی اولین خبرنامه خود را منتشر کرد.

این خبرنامه که در حال حاضر به صورت تک ورق منتشر شده است، قرار است به صورت ماهانه در اختیار مخاطبان قرار گیرد. مخاطبان نشریه کارشناسان و کارکنانی هستند که در اقصی نقاط کشور در قالب تشکیلات مربوط به این دفتر یا هر تشکیلات دولتی و غیردولتی دیگر در زمینه آموزش زنان روستایی و افزایش درآمد آنان به خدمت اشتغال دارند.

هدف از انتشار این خبرنامه، تبادل اطلاعات میان این مجموعه و سازمان‌های مختلف زنان روستایی اعلام شده است.

شورای کتاب کودک و برنامه سال جدید

شورای کتاب کودک در گردهمایی شبه ۲۳ اردیبهشت در کتابخانه عمومی حسینیه ارشاد برنامه سال جدید خود و گزارش سفرهای خارج را ارائه داد.

در این جلسه که با حضور بیش از ۴۰۰ نفر از علاقه‌مندان برگزار شد، شورا برنامه‌های سال جدید خود را بدین شرح اعلام کرد: فرهنگنامه، چهره دختر بچه‌ها، کتاب گویا، کارگاه تصویر، حقوق فرهنگی کودک و کتاب مرجع.

بخش دیگر این گردهمایی به گزارش سفرهای آلمان، ایتالیا و مالزی اختصاص داشت. سارا ایروانی، گزارش کتابخانه بین‌المللی کودکان در مونیخ و نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودک در بولونیا را ارائه داد. نوش آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب کودک نیز از سفر خود به مالزی گزارش داد. بخش اعظم صحبت وی به گزارش وضع ناپنیان مالزی و تولید کتاب برای آنان اختصاص داشت.

مروری بر آثار رخشان بنی‌اعتماد در جشنواره «سینمای جوان» ایتالیا



برای نخستین بار، یک جشنواره جهانی، با برگزاری برنامه مروری بر آثار یک فیلمساز زن ایرانی، از وی تجلیل می‌کند.

در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی سینمای جوان که از ۱۹ تا ۲۷ آبان ۷۴ در شهر تورین ایتالیا برگزار می‌شود، پنج فیلم بلند رخشان بنی‌اعتماد، فیلمساز معتبر سینمای ایران، در بخش ویژه‌ای به نمایش درخواهد آمد: خلیج از محدوده (۱۳۶۸)، زرد قناری (۱۳۶۹)، پون خارجی (۱۳۷۰)، نوگی (۱۳۷۱) و دوسری آبی (۱۳۷۳).

رخشان بنی‌اعتماد با حضور در این جشنواره علاوه بر شرکت در جلسات نمایش فیلمهایش و گفتگوهای مطبوعاتی، به عنوان یکی از اعضای هیأت داوران بین‌المللی، به قضاوت درباره فیلمهای بخش مسابقه این جشنواره خواهد پرداخت. دوسری آبی، آخرین فیلم بنی‌اعتماد در بخش مسابقه جشنواره لوکارنو نیز که از ۱۲ تا ۲۲ مرداد امسال در سوئیس برگزار می‌شود، شرکت خواهد کرد.

مروری بر آثار فیلمسازان زن ایرانی در جشنواره لوکارنو

جشنواره لوکارنو (سوئیس) در چهل و هشتمین دوره‌اش که از ۱۲ تا ۲۲ مرداد امسال برگزار می‌شود، یکی از بخشهایش را به زنان فیلمساز ایرانی اختصاص داده است.

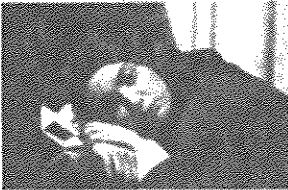
این جشنواره، که یکی از پرسابقه‌ترین جشنواره‌های سینمایی اروپا و جهان است، به مناسبت صدسالگی سینما برنامه‌های گسترده‌ای ترتیب داده است و سینمای ایران در آن حضور پرکاری دارد.

در بخش «زنان فیلمساز ایران» شش فیلم به نمایش درمی‌آید و نکته جالب، حضور مستند کوتاه و سیاه و سفید فروغ فرخزاد با عنوان خانه سیاه است، (۱۳۴۲) است. فیلمهای دیگر عبارتند از رابطه (۱۳۶۵) و زمان از دست رفته (۱۳۶۹) از پوران درخشنده، زرد قناری و نوگی از رخشان بنی‌اعتماد، و افسانه آه (۱۳۷۰) از تهینه میلانی.

در بخش مسابقه این جشنواره معتبر، فیلم دوسری آبی ساخته رخشان بنی‌اعتماد نیز پذیرفته شده است همچنین ابراهیم فروزش، که سال گذشته فیلمش به نام خمیره جایزه اول همین جشنواره را گرفته‌بود، عضو هیأت داوران بین‌المللی در این دوره جشنواره است. یادکنک سفید ساخته جعفر پناهی که اخیراً دوربین طلایی جشنواره کن را گرفت، جزو فیلمهای انتخابی لوکارنو برای نمایش در سینمای رویار میدان بزرگ شهر لوکارنو (بیاتزا گراند) است. همچنین نسخه سه ساعته فیلم سلام، سینما ساخته محسن مخملباف و مستندی درباره بندر نیس فرانسه ساخته پرویز کیمیاوی در بخشهای دیگر جشنواره لوکارنو به نمایش درمی‌آید. علاوه بر همه اینها، بخشی از جشنواره به مرور کاملی بر آثار کوتاه و بلند عباس کیارستمی اختصاص یافته است.

یک کارگردان زن دیگر

ویدا شهشانی، تازه‌ترین کارگردان



زن سینمای ایران است. فیلم اول وی، غنچه‌های باغ پردیس، هر چند یک کار ویدیویی است، اما به هر حال یک فیلم بلند است که در مناسبات حرفه‌ای ساخته شده است.

این فیلم توسط تعاونی فرهنگی - هنری خانه، برای تلویزیون و سازمان یونسف، به مناسبت روز جهانی کودک (یازدهم خرداد) ساخته شده و درباره زن جوانی به نام آتیه است که تصمیم می‌گیرد کودکان بی سرپرست را برای مراسمی در روز جهانی کودک آماده کند. او برای نگهداری کودکان از همسر روزنامه‌نگارش کمک می‌خواهد، همسرش ابتدا همکاری می‌کند اما به زودی خسته می‌شود.

شهشانی که دانشجوی رشته کارگردانی سینماست، سابقه فعالیت‌های تلویزیونی هم دارد و غنچه‌های باغ پردیس نخستین کار اوست. وی علاوه بر کارگردانی این فیلم، بر اساس فیلمنامه‌ای از بابک صفوت، طراح صحنه آن نیز بوده است. مدیر تصویربرداری غنچه‌های باغ پردیس، مهدی بمانی است و بازیگرانش آتیه فقیه‌نصیری، محمد الهی، رویا امامی، پروین سلیمانی، مهری ودادیان و بازیگران خردسال خانه و دانیال صفوت هستند.

گتیه، اولین مستند مخملباف

گتیه، فیلم تازه محسن مخملباف، یک مستند - داستانی قوم‌نگاری و مردم‌شناسی است که آن را با

حمایت سازمان صنایع دستی ایران ساخته است.

طرح اولیه این فیلم براساس ساختن مستدی درباره قدیمیترین نوع قالی ایرانی - که همین نام را دارد - شکل گرفت و در طول نوشتن فیلمنامه، یک خط داستانی نیز به آن افزوده شد. گپه، نوعی قالی بدون نقشه است که مردان و زنان عشایر فارس و جنوب ایران با الهام گرفتن از طبیعت و زندگی پرامون، و بر اساس



ذهنیت و احساس خویش می‌یافتند. گپه، که زنان ایل‌نشین نقش مهمی در مراحل مختلف تهیه مواد اولیه و بافت آن دارند، طی سالهای اخیر، که صادرات قالی ایران در میدان رقابت با قالیهای مشابه دچار رکود شده، به دلیل بکر و بی‌مشابه بودن، با استقبال بسیار بازارهای خارجی روبرو شده است.

این فیلم، شرح بافته شدن یک گپه در طول کوچ بهاره یک ایل، با تمرکز بر روی زندگی یک خانواده و حضور یک معلم و شاعر پیر روستایی است که از او به عنوان احیا کننده رنگرزی سنتی نام می‌برند. گپه را محمود کلاری فیلمبرداری کرده و مخملباف علاوه بر فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی، تدوینگری و صداگذاری آن را نیز برعهده دارد.

◀ اخبار تکان‌دهنده درباره «زنان» بوسنیایی نیروهای امدادرسانی خبرهای



تکان‌دهنده‌ای از تجاوز صربها به زنان مسلمان و ناپدید شدن همسران پناهندگان می‌دهند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از زاگرب، یک پزشک زنان که نامش را فاش نمی‌کند، در تماس تلفنی با این خبرگزاری از فرودگاه توزلا گفت: زنها در اینجا نمی‌دانند شوهران، فرزندان و برادرانشان کجا هستند. این پزشک گفته است: خود من دختر جوانی را که مورد تجاوز قرار گرفته بودم مذاوا کردم. او به من گفت: زنان جوان دیگری را دیده‌ام که دچار همین سرنوشت شده‌اند اما آنان از ستون پناهندگانی که به سوی منطقه تحت کنترل مسلمانان در حال حرکت بودند، ناپدید شدند.

وی گفت: زنی در فرودگاه خود را حلق آویز کرده و زن دیگری دست به خودکشی زده است. پزشک مزبور می‌افزاید: زنها در ناامیدی و شک به سر می‌برند و همواره در حال آوارم کردن کودکانشان هستند، گاه نیز کودکان مشغول دلداری دادن به مادران گریانشان هستند.

مقام‌های سازمان ملل در توزلا گفته‌اند که سرگرم جمع‌آوری مدرک از آوارگان علیه صربهای متهم به ارتکاب جنایات جنگی هستند. این در حالی است که آوارگان شهرهای امن اعلام شده چشم به کمک فوری سازمان ملل برای نجات از حملات بی‌دری صربها دوخته‌اند.

یک روزنامه آتریشی از تیانجی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل با صربها در سربرنیتسا پرده برداشت: صربها با استفاده از لباسهای متحدالشکل سربازان پاسدار صلح سازمان ملل، مخفیگاه مسلمانان را در جنگلها پیدا کرده و سپس آنها را به قتل می‌رسانند.

بیمارستان هلال‌احمر ایران در سارایوو، پایتخت بوسنی، آغاز به کار کرد. ایران کمکهای امدادی و غذایی در اختیار مردم آواره سربرنیتسا و ژیا قرار می‌دهد.

◀ خبرهایی از چهارمین کنفرانس جهانی زن زنان جهان در انتظار برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زن هستند

که قرار است از چهار تا ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۵ (شهریورماه امسال) در پکن، پایتخت چین، برگزار شود و در این راستا مدام خبرهایی از این و آن سو به گوش می‌رسد:

پکن اعلام کرده است که حدود چهار هزار خبرنگار از کشورهای مختلف جهان در این کنفرانس شرکت می‌کنند. به نوشته روزنامه «مردم» برای پوشش خبری و گزارش این کنفرانس بزرگ که با شرکت بیش از سی هزار نماینده زن از سراسر جهان برگزار می‌شود، اخیراً بخش ویژه‌ای زیر نظر کمیسیون تبلیغات دولت چین تأسیس شده است.

احمد کمال، رئیس شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل گفت: «حکم پذیرش و اعتبارنامه ۷۴۱ انجمن و اتحادیه برای شرکت در کنفرانس مذکور صادر شده است.»

به گفته وزیر امور خارجه چین، کنفرانس در مکانی به نام «هوارو» برگزار می‌شود که یک ساعت با پکن فاصله دارد. گفته می‌شود که دست‌اندرکاران امریکایی کنفرانس در مورد محل برگزاری آن با مقامات چینی اختلاف نظر داشته‌اند، اما مقامات چینی این محل را به دلیل امکانات مناسبی که برای برگزاری اجتماعات بین‌المللی دارد، مناسب تشخیص داده‌اند.

خبرهایی از واتیکان حاکی است پاپ ژان پل دوم، با تأکید بر اینکه زنان باید از حقوق برابر برخوردار باشند، گفته است: «کلیسای کاتولیک روم مخالف سرسخت اعمال ظلم و تبعیض جنسی بر زنان بوده است و چهارمین کنفرانس جهانی زن نیز باید حافظ این حقوق باشد.»

یکی از سازمانهای قدرتمند حقوق زنان در سوئد نیز به دلیل جدا بودن جلسات هیاتهای دولتی از گروههای غیردولتی، شرکت در این کنفرانس را تحریم کرده است.

زنان ۱۴ کشور عربی نیز در اجلاس سه روزه تدارک برای کنفرانس پکن در هتلتی در بیروت گردهم آمدند. در این کنفرانس «دادگاه زنان»، با هدف افضای اعمال خشونت آمیز مردان علیه زنان در دنیای عرب برپا شد. در این

دادگاه زنانی که از کشورهای خلیج فارس، خاورمیانه و شمال افریقا آمدند در شواهدی ذال بر اعمال خشونتهای سیاسی، اجتماعی و بدنی بر زنان، برای گزارش به سازمان ملل ارائه کردند.

◀ اولین زن مدیر عامل تلویزیون پاکستان

رانا شیخ، اولین زنی است که به عنوان مدیر عامل تلویزیون پاکستان منصوب شده است.

وی، که همسر قائم مقام وزیر امور خارجه پاکستان است، سابقاً به مدت ۲۰ سال به عنوان تهیه کننده برنامه‌های تلویزیونی با تلویزیون پاکستان همکاری داشت، اما به دلیل سفرهای کاری شوهرش مدت‌ها این همکاری متوقف شد. اکنون، او با سمت مدیر عامل تلویزیون، فعالیت خود را از سر می‌گیرد.

◀ افزایش قاچاق زنان در غرب

در کشورهای ثروتمند غرب و به ویژه در مناطقی که زنان مهاجر اروپای مرکزی و شرقی، بیشتر ساکن هستند، قاچاق زنان به مسنظور سوعاستفاده‌های جنسی بسیار شایع است.

به گزارش سازمان جهانی مهاجرت، قاچاقچیان معمولاً در بدو ورود مسافران زن، پاسپورتهای آنها را می‌گیرند و بعد از تهلیل و اخاذی، آنها را وادار به انجام مقاصد شخصی خود می‌کنند. بسیاری از زنان با آنکه می‌دانند در مشاغلی مانند کار در کاباره‌ها، پیشخدمتی و نظافتچی‌گری روابط سوء جنسی نیز در میان است، به این کار تن می‌دهند و ۹۵ درصد آنها دیگر نمی‌توانند به زندگی سالم گذشته خود بازگردند. بر اساس مطالعات انجام شده طی سال ۱۹۹۴، در کشور هلند ۱۵۵ زن بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی با همین مقاصد قاچاق شده‌اند که از این تعداد، در سوم اهل اروپای مرکزی و شرقی به ویژه جمهوری چک، هلند، اوکراین و روسیه بوده و بقیه را زنهای کشورهای در حال توسعه از قبیل تایلند، جمهوری دومینک و موروکو تشکیل داده‌اند.

◀ برگزاری اولین کنفرانس نمایندگان زن مجلس در پاکستان

اوایل مردادماه جاری، پاکستان

پذیرای میهمانان اولین کنفرانس نمایندگان زن مجلس از بیش از ۳۰ کشور اسلامی خواهد بود.

در این کنفرانس قرار است نخست‌وزیران: بی‌نظیر بوتو از پاکستان، خالده ضیا از بنگلادش و تانسو چیللر از ترکیه سخنرانان کنند.

هدف از برگزاری این اجتماع سه روزه دعوت از زنان نماینده کشورهای اسلامی برای مشارکت بیشتر در کلیه امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در این کنفرانس هیأت‌های سه نفره‌ای از کشورهای زیر دعوت شده‌اند:

آلبانی، الجزایر، آذربایجان، بنگلادش، بنین، بوسنی، بورکینافاسو، کامرون، چاد، گابن، گینه بیسائو، ایران، عراق، اندونزی، اردن، لبنان، لیبی، مغرب، مالدیو، مالزی، مالی، نیجریه، عمان، فلسطین، سینگال، سودان، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، اوگاندا و یمن.

برگزاری کنفرانس «مدیران زن در صحنه تجارت بین‌الملل»

مشاوران امور خاورمیانه در لندن، در تدارک برپایی کنفرانس «مدیران زن در صحنه تجارت بین‌الملل» هستند که قرار است به منظور ایجاد پل ارتباطی میان خاورمیانه، شمال آمریکا و اروپا، در روزهای دهم و یازدهم مهرماه اسفند برگزار شود. در گردمایی تاجران و مدیران اجرایی ارشد زن از این سه منطقه، با طرح امکانات مشترک و روند اقتصاد جهانی، راه‌های توسعه بازارهای بین‌المللی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

عناوین مورد بحث در کنفرانس عبارتند از: همکارایی شبکه‌ای، تصویب توافق‌نامه‌های استراتژیک برای زنان، بررسی روند تجارت بین‌المللی، امکانات خصوصی‌سازی، مشاغل، کار با مشتریان جهانی، طرح گرفتاریهای زنان در تجارت و معرفی گروهی که زنان را در توسعه تجارت‌های کوچک خود راه یافتن به بازارهای جهانی یاری می‌کنند. این کنفرانس برای زنان تاجر ایرانی، که به طور مداوم به امر صادرات و واردات مشغول‌اند و مایل به نفوذ در بازارهای جهانی و ایجاد شبکه کاری در اروپا، خاورمیانه و شمال آمریکا هستند، فرصت مناسبی است.

لازم به ذکر است حتی زنانی که علاقه‌مند به امر صادرات هستند می‌توانند در این کنفرانس شرکت کنند.

اعتصاب

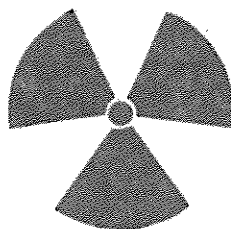
روزنامه‌نگاران پاکستانی دولت پاکستان برای مخفی نگه داشتن خشونت‌ها و ناآرامی‌های سیاسی و قومی کراچی انتشار ۱۲۲ نشریه ایالت سند را غیرقانونی اعلام و امتیاز شش روزنامه اردو زبان کراچی را لغو کرد.

روزنامه‌نگاران پاکستانی نیز در اعتراض به این حرکت، دولت پاکستان را تهدید به اعتصاب کردند و اعلام داشتند که همزمان با برپایی راهپیماییهای اعتراض آمیز در شهرهای بزرگ، هیچ‌کدام دست به انتشار نشریه نخواهند زد. دولت ایالت سند پاکستان علت ممنوعیت انتشار شش روزنامه عصر کراچی را «درج اخبار محرک و اعلام ارقام غیرواقعی از حوادث کراچی» عنوان کرده بود.

در پی اعتراضی گسترده روزنامه‌نگاران پاکستان، دولت پاکستان ناچار به لغو ممنوعیت انتشار شش روزنامه کراچی شد و روزنامه‌نگاران نیز برنامه اعتصاب خود را لغو کردند. به دنبال این مصالحه «نهضت قومی مهاجر» که مدافع منافع و مطالبات مسلمانان هندی تبار کراچی است، به منظور یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز برای بحران کراچی، آمادگی خود را برای مذاکره با دولت پاکستان اعلام کرد.

زنان آسیایی تبار، قربانیان تحقیقات رادیواکتیو انگلستان

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی دانشندان انگلیسی در دهه



۱۹۶۰ برای انجام تحقیقات خود پیرامون اثرات مواد رادیواکتیو، از زنان آسیایی تبار استفاده می‌کرده‌اند. انجام این آزمایشها که در منطقه کاونتری انگلستان، بر روی ۲۰ زن آسیایی تبار و بدون اطلاع آنها صورت می‌گرفته، توسط یکی از کانالهای تلویزیون غیردولتی انگلستان افشا شده‌است. در این آزمایشها روزانه نوعی نان محتوی مواد رادیواکتیو در اختیار این زنان قرار می‌دادند و محققان مؤسسه دولتی «شورای پزشکی بریتانیا» تغییرات ناشی از خوردن این نان را بررسی می‌کردند. یکی از مسئولان «شورای پزشکی بریتانیا» در برنامه تلویزیونی «تشمعات مرگبار» که از کانال چهار تلویزیون غیردولتی انگلستان پخش شد، ادعا کرد که محرمانه بودن این گونه برنامه‌های تحقیقاتی در آن زمان، امری معمول بوده‌است.

مادر امریکایی، قاتل فرزندان



به نقل از شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی، سوزان اسمیت، دو پسر خود را در دریاچه‌ای غرق کرد.

وی که ۲۳ سال دارد، سال گذشته با مراجعه به پلیس ادعا کرد که «مرد سیاهپوستی فرزندان او را ربوده اما بعد از نه روز بازجویی اعتراف کرد که مایکل سه ساله و آلکسی ۱۴ ماهه‌اش را به صندوق عقب اتومبیل بسته و بعد از قتل کردن درها، آنها را

به قمر دریاچه انداخته‌است. اعتراف وی که در جامعه آمریکا انزجار و ناباوری شدیدی را برانگیخت به انگیزه ازدواج او با مردی بوده که فرزندان او را نمی‌پذیرفته است.

دیوید بروک، وکیل او که معتقد است زندگی بر از خیانت و تنهایی، سوزان را به یک قربانی تباه شده جنسی مبدل کرده‌است، نوامبر گذشته خواستار تجلیندنظر دادگاه در صدور حکم مرگ وی شد.

پدر سوزان در کودکی خودکشی کرده بود و سوزان به دنبال این بحران روحی و ازدواج مجدد مادرش، در شش سالگی اقدام به خودکشی نمود.

به گفته سوزان، ناپدری وی از ۱۵ سالگی او را مورد تجاوز قرار می‌داده و مادرش نیز به خاطر دوام زندگی جسیلندش جسیلوسی این سوءاستفاده‌ها را نمی‌گرفته‌است. وی مجدداً در ۱۳ و ۱۷ سالگی دست به خودکشی زده و مدتی در بیمارستان بستری بوده‌است. بعد از آنکه با دیوید اسمیت آشنا می‌شود، او را دوست خوبی یافته و در ۱۹ سالگی با داشتن یک جنین دوماهه با او ازدواج می‌کند. دوستان آنها گفته‌اند این زوج وضع ثابتی در زندگی مشترکشان نداشتند. دیوید ماجرای زندگی مشترکش با سوزان را در کتابی تحت عنوان زندگی با سوزان اسمیت گردآورده و اکنون آماده ناپ است.

سوزان در سال ۱۹۹۳ که در حال جدا شدن از دیوید بود، با نیندلی، پسر ۲۷ ساله رئیس کارخانه‌اش آشنا شد. اما بعد از مدتی رابطه، فینلی که نمی‌خواست مسئولیت فرزندان سوزان را به عهده بگیرد او را ترک کرد و سوزان به او گفت که به خاطر او از دیوید جدا خواهد شد. در نتیجه دیوید، سوزان را تهدید به فاش رازهایش کرد و به دنبال این تهدید سوزان مرتکب قتل دو فرزندش شد. وی در اعتراف خود اعلام کرده‌است که هرگز در تمام عمرش این قدر تنها و غمزه نبوده‌است.

اسمیت اکنون به حبس ابد، بدون آزادی مشروط تا حداقل ۳۰ سال، محکوم شده‌است.